

03-08-2013

وفا کردیم و با ما غدر کردند

پس از گزینش نواز شریف بحیث صدراعظم پاکستان، نخستین قاصد یا نماینده سیاسی وی به افغانستان، سیاستمدار کهنه کاری بنام سرتاج عزیز بود که همین چند روز قبل وارد کابل شد و با وزیر امور خارجه، رئیس جمهور کرزی و مقام های دیگر افغانی دیدار نمود.

این فرستاده سیاسی صدراعظم جدید پاکستان، طی یک کنفرانس مطبوعاتی در کابل، با صراحت اظهار داشت که حکومت پاکستان پیروزی مذاکرات صلح کابل با طالبان را تضمین نمیکند. وی در عین حال، دعوت نامه نواز شریف مبنی بر مسافرت کرزی به پاکستان را برای رئیس جمهور افغانستان سپرد.

گفته شد که حامد کرزی از سال 2001 تا کنون، نوزده مرتبه بسوی اسلام آباد شتافته است، ولی هیچ یک از این شتافتن ها و دویدنها نتیجه دلخواه پیرامون تأمین صلح و امنیت افغانستان و دست برداشتن مقام های شایاد پاکستانی از دخالت های سیاسی در امور کشور ما و حمایت های مخفی و علنی از گروه طالبان و دیگر تروریستان، در پی نداشته است.

تحلیلگران سیاسی جانب افغانستان در چند روز اخیر، با تأکید و صراحت کامل گفتند تا آنگاه که تضمین و اطمینان لازم از سوی حکومت مداران پاکستانی مبنی بر تغییر پالیسی های کین توزانه علیه افغانستان بدست نیامده، نباید رئیس جمهور، بدان سو بشتابد. تحلیلگران گفتند که وقتی سرتاج عزیز آشکارا میگوید که پیروزی مذاکرات صلح با گروه طالبان را تضمین نمیکند، چگونه گی موضوع از همین حالا روشن است و حامد کرزی نباید خودش را بار دیگر فریب بدهد.

موضوع مهم دیگری که در اینجا مطرح است اینست که صرف نظر از آنکه نواز شریف از رهگذر فکری، حزبی و طبقاتی کیست و در گذشته ها بحق افغان و افغانستان چه خیانت هایی را انجام داده است، هرگاه وی احیاناً از مجموع فرود و فراز سیاسی در پاکستان، شکستها، تبعید شدن ها و تجارب ناشی از آن، آموخته و به این نتیجه رسیده باشد که صلح و آرامش در افغانستان، تضمین کننده صلح و آرامش در آن سوی خط " دیورند " نیز خواهدبود و سقوط افغانستان، بدون شک سقوط و نابودی

پاکستان را هم در قبال خواهد داشت، باید گفت که با آنهم، مشکل و مانع عمده در راه نزدیک شدن هایش به افغانستان، همانا ارتشیان عقده مند، بیرحم و قدرت طلب پاکستان خواهد بود، بخصوص که افراد و منسوبین ارتش آن کشور از رژیم ضیالالحق به بعد، به درجه کافی اسلام پناه و مذهبگرا شده و پیوند های تنگاتنگ فکری و اطلاعاتی با مدارس، احزاب و سازمان های عقبگرای تروریستی ضد هند و افغانستان برقرار نموده اند.

از سوی دیگر تجربه تاریخی در این کشور تازه تأسیس و بی بنیاد ثابت ساخته که جنرالان ارتش نه تنها ستراتیژی خطرناکی در منطقه دارند، بلکه حرف اول و آخر را در تصمیم گیریهای کلان پاکستان نیز میزند.

پس اگر اینبار نیز کرزی بسوی اسلام آباد رو آورد، همانند سایر مسافرتهايش، این شتافتن و ره پیمودن نیز صرفاً نمایشی و دیپلماتیک خواهد بود؛ نه مؤثر و گره گشا.

این نکته را هم باید اضافه نمود که پاکستان نزد ابر قدرت امریکا و انگلیس، از اهمیت به مراتب بالاتر نسبت به افغانستان قرار دارد و بهمین دلیل هم هست که خواستها و سیاستهای پاکستانی ها در قبال افغانستان ظرف چهار دهه اخیر، قدم به قدم به کرسی نشسته است. وقتی سخنگوی ناتو در قبال شلیک صد ها موشک پاکستانی بالای خاک افغانستان، بگونه بسیار مضحک و بیشرمانه اظهار بیخبری میکند، دیگر عمق رابطه خاص آنها با پاکستان و پهنای توطئه بزرگ علیه هستی مردم افغانستان آشکار میشود. دلیل عمده دیگر که نزد تحلیلگران سیاسی وجود دارد، اینست که ارتش پاکستان، در آستانه سفر کرزی به آن کشور نیز دست از شلیک راکت و تجاوز بیشرمانه بخاک افغانستان برنمیدارد. چنانکه در همین روز های اخیر، باساز گزارشهای رسمی و رسانه یی افغانستان، ده ها موشک بالای خاک کشور ما در ولایت کنر شلیک نموده اند.

این حرکت غیراخلاقی و غیر دیپلماتیک چه پیامی را میرساند؟ واضحاً ادامه همان ستراتیژی دشمنانه و پالیسی های خصمانه ارتشیان پاکستان علیه افغانستان را پیش چشم همه گان قرار میدهد که در این میان، نواز شریف و هر حاکم مملکتی دیگر قادر نخواهد بود جلو چنین خود سری ها و دشمنی ها را سد سازد.

پس، همانسان که همیشه گفته ایم، بار دیگر میگوییم که نباید به هنگامه های ظاهراً انتخاباتی و تبدلات گاه و ناگاه در سطح حکومت پاکستان دلخوش کرد و هرگز نباید نیات نظامیان پاکستانی در قبال افغانستان را نیات نیک و انسانی و صادقانه تلقی نمود. (پایان)